

الگوسازی تجارب حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست

خارجی

علی اکبر عباسی^۱، محمود شیخ حسینی^۲، محسن رستمی^۳، ابوذر میارعباسی^۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

چکیده

تجربه حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی به معنای تأثیرگذاری و تعامل این نظام سیاسی با کشورهای دیگر در امور بین‌المللی است. این تجربه شامل سیاست‌ها، تصمیمات و اقداماتی است که توسط دولت ایران در روابط خود با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی انجام شده است. این تجربه شامل موضوعاتی مانند روابط دیپلماتیک، مذاکرات بین‌المللی، توافق‌نامه‌ها، تحریم‌ها، تأثیرگذاری در سیاست‌های منطقه‌ای و بسیاری از مسائل دیگر مرتبط با سیاست خارجی ایران می‌شود. در این پژوهش، با عنوان تجارب حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی هدف اصلی ارائه الگویی نوین در حوزه حکمرانی سیاست خارجی براساس تجارب موجود در بازه زمانی استقرار جمهوری اسلامی ایران بوده است. سوال اصلی این پژوهش نیز بررسی الگوی مطلوب حکمرانی در حوزه سیاست خارجی در رابطه با قدرت‌های غربی و به ویژه ایالات متحده آمریکا بوده است. روش تحقیق در این پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش که شامل یک الگوی پیشنهادی است شامل سه سطح بوده است: الف) مبانی و مفروضات: اقتدار خداوند، اجرای اصول الهی، منافع ملی، بازفهمی اصول، یافتن زمینه‌های مشترک همکاری، و نیروی دفاعی-نظامی حمایتی. ب) راهبردها: همگرایی ضدسلطه، ترکیب قدرت نرم و سخت، و وحدت رویه در فرماندهی سیاست خارجی. ج) پیامدها: تضعیف هژمونی غربی و تقویت شبکه‌های مقاومت، تقویت محور دفاعی-دیپلماتیک، و استمرار سیاستی. با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مطلوب حکمرانی در حوزه سیاست خارجی در رابطه با کشورهای غربی شامل مبانی، راهبردها و پیامدهای مشخصی است که می‌تواند به تحقق اهداف مورد نظر کشور کمک کند.

واژگان کلیدی: الگوسازی، حکمرانی، جمهوری اسلامی، سیاست خارجی

^۱ - پژوهشگر ارشد روابط بین‌الملل

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۳ - عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی-نویسنده مسئول

^۴ - دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و پژوهشگر پژوهشکده دفاع

مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در شرایطی شکل گرفت که قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه به دلیل ماهیت نوین این انقلاب و اسلامی بودن آن، با دیده‌ی تردید به آن می‌نگریستند. ایجاد محدودیت‌ها، کارشکنی‌ها، استفاده از اهرم‌های آشکار قهری مانند جنگ، اقدامات مسلحانه خیابانی به میانجی گروهک‌ها و ... از جمله مسائلی بود که از همان ابتدا انقلاب نوپا با آن درگیر شد و سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف با چنین محدودیت‌هایی مواجه شد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی، خود را با نگاهی مستقل در هم‌آمیخت و تز «نه شرقی، نه غربی» را سرلوحه کار خود قرار داد. چنین نگاهی، در جهانی که سرسپردگی به یکی از ابرقدرت‌ها، یکی از مشخصه‌های بارز روابط بین‌الملل به شمار می‌رفت، جمهوری اسلامی ایران را با فرصت‌ها و تنگناهای متعددی درگیر کرد. اما بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) با تاکید بر این اصل، نشان داد که سمت‌سوی حکمرانی خود را در ورای معادلات قدرت نظام دو قطبی مرتبط با جنگ سرد پیگیری می‌کند.

یکی از حوزه‌های مورد توجه در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، حوزه سیاست خارجی می‌باشد. این حوزه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شکلی ویژه به خود گرفت و در تقابل با استکبار جهانی، مسیری متفاوت از دوران رژیم پهلوی را در پیش گرفت و در نتیجه یکی از محورهای مهم سیاست انقلابی جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داد. با این حال باید توجه داشت که این حوزه به رغم برخی از محورهای با ثبات، دارای متغیرهایی بود که به فراخور دولت‌ها و گفتمان‌های حاکم، تجارب متفاوتی را به دنبال داشت. تاریخ جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۷ به بعد، سیاست خارجی ایران دورانهای مختلفی را طی کرده است. در چنین سیری، شاخصهای ثبات و تداوم در سیاست خارجی موثر بوده است. دسته‌ای از نشانه‌های سیاست خارجی ایران ماهیت با دوام و نسبتاً ثابت دارند؛ به‌طور مثال، شاخص‌هایی همانند تقابل با نظم استکباری، رسالت‌گرایی، تعامل ضد سلطه و چانه‌زنی متغیرهایی هستند که با فرازونشیب‌هایی همواره در سپهر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمود داشته است (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۴۳). به موازات عوامل باثبات، که پایداری بیشتری در سیاست خارجی دارند، جلوه‌هایی از تغییر نیز در محیط منطقه‌ای، فضای بین‌المللی و شکل‌بندی‌های رفتار سیاسی — بین‌المللی ایران ایجاد شد. این مسئله به ویژه در ارتباط با گفتمان‌های حاکم بر دستگاه سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل تحلیل است. برای نمونه گفتمان اصلاح‌طلبی در حوزه سیاست خارجی تلاش می‌کرد تا با استفاده از اهرم مذاکره و نرمش در مقابل قدرت‌های بین‌المللی، سیاست تعامل را در پیش بگیرد و به میانجی آن، به اهداف خود دست یابد. در مقابل، گفتمان اصولگرایی، معتقد به ایستادگی در مقابل قدرت‌های جهانی بوده و به رغم عدم انکار اهرم مذاکره، همواره تلاش کرده است تا سیاست خارجی را بر مبنای پایداری بر اصول انقلابی قرار دهد. طبیعی است که هر کدام از این رویکردها، کارکردها و نتایج متفاوتی را به دنبال داشته است. با این توضیحات، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی تجارب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حوزه حکمرانی بوده تا از رهگذر آن بتوانیم به تدوین الگویی نوین براساس تجارب موجود در حوزه حکمرانی سیاست خارجی بپردازیم. به عبارت بهتر، پس دهه‌ها آزمون و خطا در حوزه سیاست خارجی و اتخاذ رویکردهای متفاوت و گاه متضاد در ارتباط با کشورهای غربی و به ویژه ایالات متحده به نظر می‌رسد نیازمند طراحی الگوی واحدی در حوزه حکمرانی سیاست خارجی هستیم. یک سیاست خارجی واحد می‌تواند کمک کند تا کشور در مذاکرات بین‌المللی به یک صدای قوی‌تر و مؤثرتر دست یابد و اهداف و منافع ملی خود را به بهترین شکل ممکن دفاع کند. همچنین، این سیاست واحد می‌تواند از تداخلات داخلی و ناسازگاری‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست خارجی جلوگیری کند و به کشور کمک کند تا با یک صدای متحد و قوی به جهانیان پیام‌های خود را ارسال کند.

با توجه به گستردگی حوزه سیاست خارجی، تمرکز ما بر روی مواجهه دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های غربی و به ویژه ایالات متحده خواهد بود تا براساس آن تجربه‌ی این مواجهه را شناسایی و معرفی نماییم.

مبانی نظری

— پیشینه‌شناسی:

(۱) رودسری و تبرزد (۱۴۰۰) در مقاله «ارائه الگوی حکمرانی متعالی اسلامی-ایرانی براساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)» نشان داده‌اند دین مبین اسلام توجه خاصی به مسئله حکمرانی و روابط اجتماعی مسلمانان با یکدیگر و حکومت دارد. مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکمرانی اسلامی بر حکمرانی خوب می‌فرمایند: «اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون

دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند». بنابراین به پشتوانه آموزه‌های دین مبین اسلام، فرهنگ غنی ایرانی و اندیشه‌های دو رهبر و اندیشمند بزرگ انقلاب اسلامی می‌توان به الگوی متعالی از حکمرانی ایرانی-اسلامی رسید که با فرهنگ جامعه اسلامی ایران سازگاری داشته باشد و سبب مشارکت فعال افراد و نهادهای جامعه در امور حکومتی شود.

(۲) کریمی‌پور (۱۴۰۰) در مقاله «حکمرانی متعالی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رهیافت انتقادی به الگوی معاصر» نشان داده است الگوی حکمرانی معاصر از آنجا که با اصول و مبانی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی فاصله دارد، لذا در حیطه عمل هم نتوانسته، عملکرد مطلوبی داشته باشد. لذا تا زمانی که سیاست خارجی مبتنی بر اصول حکمرانی متعالی مستقر نشود، همچنان باید شاهد نقص عملکردی و نارسایی سیاست خارجی در حفظ منافع و تحقق اهداف ملی بود.

(۳) سیمبر و ملکی (۱۳۹۸) در مقاله «بایسته‌های حکمرانی و ایماژهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل» به این نتیجه دست پیدا کردند که شرایط داخلی اقتصادی کشور، وجود نابرابری‌های ناموجه، ناکامی‌های اقتصاد تولید محور و اشتغال محور، وجود فساد و عدم شفافیت و پاسخگویی در نظام اقتصادی، رانت های صنعتی، معادن، مالی و بانکی، از عمده ترین موانع و چالش های موجود در حکمرانی است که ارتقا و تحکیم موفقیت‌های ایران در سیاست خارجی را نیز با مشکل مواجه می‌کند.

(۴) دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۸) در مقاله «نظریه اسلامی سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» معتقد است ادبیات موجود نشان دهنده این واقعیت است که هیچ یک از نظریه های متعارف موجود در دو حوزه روابط بین الملل و تحلیل سیاست خارجی، قادر به تبیین چرایی و چگونگی رفتار و فرایند سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیستند. این ناتوانی تبیینی ناشی از ماهیت زمینه پرورده نظریه‌های سیاست خارجی و ماهیت و هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این امر حاکی از این واقعیت و ضرورت است که تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیازمند یک رهیافت نظری است که ماهیت و هویت آن به عنوان یک دولت اسلامی را در کانون تحلیل خود قرار دهد.

(۵) جعفری و جانباز (۱۳۹۴) در مقاله «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه دست یافتند که سیاست خارجی در مقام مهمترین نمود رفتار بین‌المللی دولت‌ها

همواره عرصه تعامل میان نظریه و عمل بوده است و تحلیل واقع‌بینانه از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ممکن نخواهد شد مگر آنکه در چارچوب ادراکی ما ابزارهایی جهت مدنظر قرار دادن اهمیت بنیادین مقوله‌ی معنایی نظام جمهوری اسلامی وجود داشته باشد. تنوع گفتمانی در سیاست خارجی زمینه‌ساز بسیج منابع و در نتیجه دیپلماسی متفاوت هسته‌ای در دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

در مقاله حاضر، علاوه بر عنوان پژوهش، روش و متغیرهای کلیدی بحث که در نوع خود بدیع و منحصر به فرد است، درحالی‌که تحقیقات پیشین عموماً به بررسی اهداف کلی حکمرانی و سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند، تحقیق حاضر با عنایت به روند جدید فضای جهانی و ترسیم ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای از یک‌سو و تغییرات سریع در روابط کشورها از سوی دیگر با تمرکز بر ظرفیت‌های حکمرانی ایران در حوزه سیاست خارجی و تجربه مواجهه آن با ابرقدرت‌ها و به ویژه ایالات متحده نگاشته شده است. علاوه بر این، پژوهش حاضر فارغ از بحث‌های نظری موجود تلاش کرده است از دیدگاه متخصصان، تجارب حکمرانی در حوزه سیاست خارجی را احصاء کرده و بر فراز آن الگویی نوین ارائه دهد.

– مفهوم‌شناسی:

الگوی حکمرانی: مفهوم الگو در علوم اجتماعی به معنای یک الگو یا الگوی معیاری است که برای توصیف یا تبیین یک رفتار، فرایند یا وضعیت استفاده می‌شود. در ادبیات علوم اجتماعی، مفهوم الگو به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود و می‌تواند به موارد زیر اشاره کند (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۹):

-الگوهای رفتاری: این نظریه معتقد است که افراد در برخورد با موقعیت‌ها و مسائل خاص، به الگوهای رفتاری خاصی توجه می‌کنند و بر اساس آن‌ها عمل می‌کنند.

-الگوهای شناختی: این نظریه بیان می‌کند که انسان‌ها در فرایند شناخت و تصمیم‌گیری از الگوها و الگوهای شناختی خاصی استفاده می‌کنند.

-الگوهای اجتماعی: این نظریه بیان می‌کند که انسان‌ها در تعاملات اجتماعی خود از الگوهای اجتماعی خاصی برای رفتار و تعامل استفاده می‌کنند.

-الگوهای تصمیم‌گیری: این نظریه بیان می‌کند که انسان‌ها در فرایند تصمیم‌گیری از الگوها و الگوهای تصمیم‌گیری خاصی استفاده می‌کنند.

به طور کلی، مفهوم الگو به عنوان یک الگوی معیاری یا الگوی توصیفی برای توصیف و تبیین رفتارها، فرایندها و وضعیت‌ها در علوم اجتماعی استفاده می‌شود. در ارتباط با پژوهش حاضر، استفاده الگوی تصمیم‌گیری در حکمرانی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در زمینه الگوی حکمرانی در سیاست خارجی، تعدادی از نظریه‌ها و مدل‌ها وجود دارند که برای توصیف و تبیین روابط بین‌الملل و تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند و در همگی آن‌ها مقوله تصمیم‌گیری از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی از این نظریه‌ها عبارتند از:

- نظریه واقع‌گرایی: این نظریه بر این اعتقاد استوار است که در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی، باید بر اساس شرایط و واقعیت‌های بین‌المللی عمل کرد و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس تحلیل دقیق واقعیت‌های بین‌المللی انجام شود.

- نظریه امپریالیسم: این نظریه بر این اعتقاد است که برخی کشورها به عنوان امپریالیست‌ها عمل می‌کنند و تلاش می‌کنند بر سایر کشورها تسلط و تأثیرگذاری داشته باشند.

- نظریه تعادل قدرت: این نظریه بر این اعتقاد است که روابط بین‌المللی بر اساس تعادل قدرت بین کشورها شکل می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی بر اساس این تعادل انجام می‌شود.

- نظریه همکاری بین‌المللی: این نظریه بر این اعتقاد است که همکاری و تعامل بین کشورها می‌تواند به رفاه و پیشرفت مشترک منجر شود و تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی بر اساس این همکاری انجام شود.

- نظریه امنیت ملی: این نظریه بر این اعتقاد است که حفظ امنیت و منافع ملی اولویت بالایی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی باید باشد و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس این امنیت ملی انجام شود.

به رغم اهمیت این نظریه‌ها، باید توجه داشت که اصولاً ابتدا باید مفهوم حکمرانی تدقیق شود و سپس رویکرد منتخب ما نسبت به این مفهوم و کاربست آن در حوزه سیاست خارجی تعیین گردد.

وقتی در ادبیات سیاسی از واژه حکمرانی^۱ استفاده می‌شود، هیچ تعریف پذیرفته شده جهانی وجود ندارد. به طور کلی این مفهوم در ادبیات سیاست و توسعه مدیون افلاطون است که اولین کسی بود که از کلمه یونانی *kubernáo* به معنای هدایت کشتی، به صورت استعاری، در زمینه هدایت انسان استفاده کرد (Eryurek, 2021: 78). در طول سال‌ها، این کلمه به طور کلی مورد استفاده قرار گرفته است و این مفهوم برای در بر گرفتن روابط بین‌ذی‌نفعان در مجموعه‌های مختلف تکامل یافته است. برنامه توسعه

¹ governance

سازمان ملل متحد (UNDP) در مقاله سیاستی خود در سال ۱۹۹۷، حکمرانی را به عنوان «اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور یک کشور در همه سطوح تعریف کرد. این شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها منافع خود را بیان می‌کنند، حقوق قانونی خود را اعمال می‌کنند، به تعهدات خود عمل می‌کنند و اختلافات خود را میانجی می‌کنند. این تعریف توسط کارگروه فرعی بین‌سازمانی دبیرکل برای ترویج پاسخ‌های یکپارچه به کنفرانس‌ها و اجلاس‌های سازمان ملل تأیید شد (Koenig, 2018: 98).

در سال ۱۹۹۳، بانک جهانی حکمرانی را به عنوان روشی تعریف کرد که از طریق آن قدرت در مدیریت منابع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه اعمال می‌شود. در این تعریف، نقطه تمرکز اصلی بانک جهانی بر تثبیت و اصلاح برخی از رویه‌های دولتی بود که تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی را برنمی‌تابید. به عبارت دیگر، بانک جهانی کشورها را تشویق می‌کرد تا به سوی خصوصی‌سازی حرکت کنند و از میزان تملک خود بر امور جامعه بکاهند. با این حال به مرور، این بانک متوجه شد که بیشتر بحران‌ها در کشورهای در حال توسعه ماهیت حکمرانی دارند. از این رو، بسته تعدیل معاصر بر مسائل حکمرانی مانند شفافیت، پاسخگویی و اصلاحات قضایی تأکید دارد. در این زمینه، بانک جهانی شیوه جدیدی از نگاه به حاکمیت را معرفی کرد که به «حکمرانی خوب»^۱ معروف است. ارائه رهنمودهای کلی در مورد اینکه چه ویژگی‌های قابل قبول حکمرانی خوب خواهد بود بسیار مهم است و سازمان ملل متحد هشت ویژگی را شناسایی کرده است که عبارتند از (Larcker, 2020: 120): مشارکت، اجماع محور، مسئولیت، پاسخگویی، شفافیت، کارآمدی، عدالت، پیروی از حاکمیت قانون.

برای پاسخ به مشکلات و چالش‌های نگاه غربی به مقوله حکمرانی، مفهوم حکمرانی متعالی شکل گرفت. این الگو، به شیوه‌ای از حکمرانی گفته می‌شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر مطرح می‌باشد (کشاورز و عرب‌اسدی، ۱۴۰۰: ۷۹). بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می‌باشند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعالسازی ظرفیتهای کنشگران و ذینفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی، شکل می‌گیرد (Muqtedar Khan, 2019: 12).

¹ good governance

همان‌گونه که از تعریف فوق مشخص است، در حکمرانی متعالی توجه همزمان به ارزش‌های الهی و نیز نقش مردم در پیاده‌سازی آنان مورد توجه قرار گرفته است. از همین رو است که حضرت امام خمینی (ره) نیز همواره به لزوم ارتباط عاطفی میان دولت به عنوان پیاده‌کننده و مجری احکام الهی و مردم تاکید داشتند (رودوسی و تبرزد، ۱۴۰۰: ۲۱) و آن را یکی از ملزومات اساسی حکمرانی قلمداد می‌کردند (صحیفه امام، جلد ۷: ۵۲۷):

«الآن در همه گرفتاری‌هایی که حکومت دارد، ملت کوشش می‌کند که همقدم باشد با آن‌ها و مقاصد دولت را به پیش ببرد و این برای این است که در این کشور، اسلام حکومت می‌کند و حکومت این کشور حکومت بر ابدان نیست، حکومت بر قلوب است».

از نقطه نظر پژوهش حاضر مورد سوم از حکمرانی است که می‌تواند نتایج مساعدی را برای جامعه به دنبال داشته باشد و حوائج و انتظارات آنان را در حوزه‌ی دنیوی و اخروی پوشش دهد. بنابراین تعریف خودمختار پژوهش حاضر از این مفهوم عبارت است از:

«حکمرانی متعالی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها است که به طور همزمان بتواند مقضیات انسانی را در چارچوبی الهی قرار داده و سیاست خارجی توسعه‌محوری را بر اساس محتوای ارزشی و هنجاری اسلامی-ایرانی متشکل سازد».

تعریفی که از «حکمرانی متعالی» ارائه شده است، حاکی از آن است که حکمرانی باید بر اساس اصول الهی هدایت شود و در عین حال نیازهای عملی و توسعه‌ای یک جامعه را نیز در نظر بگیرد.

حکمرانی سیاست خارجی: حکمرانی در سیاست خارجی، به این معنا است که یک دولت باید با در نظر گرفتن عوامل عملی و اقتصادی، برای توسعه روابط با سایر کشورها بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی-ایرانی تلاش کند. این رویکرد، امور انسانی را در چارچوبی الهی قرار می‌دهد و در عین حال سیاست‌های خارجی را به سمت اهداف توسعه‌محور سوق می‌دهد. به این ترتیب، حکمرانی متعالی در حوزه سیاست خارجی می‌تواند متضمن توازن ظریفی بین ملاحظات دینی و عملی باشد و ممکن است به درجه قابل توجهی از درون‌نگری و تأمل برای تعیین مسیر اقدام مناسب نیاز داشته باشد. این رویکرد ممکن است با رویکردهای سنتی به سیاست خارجی متفاوت باشد، که ممکن است بیشتر بر ملاحظات عملی تمرکز کند و ممکن است تمایل کمتری به گنجاندن ارزش‌ها و هنجارهای الهی در فرآیندهای تصمیم‌گیری خود داشته باشد.

حکمرانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

حکمرانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شروع شده و تاکنون ادامه داشته است. در طول دوره‌های مختلف، حکمرانی سیاست خارجی ایران ویژگی‌های مختلفی داشته است. با این حال، در نسبت با پژوهش حاضر، می‌توان دو رویکرد تعامل ضد سلطه و

سازش طلبی را مطرح کرد. تعامل ضد سلطه در حکمرانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به معنای تلاش برای مقاومت در برابر تضييع حقوق و منافع ملت ایران توسط قدرت‌های بزرگتر و سلطه‌مندتر در سطح بین‌الملل است. این مفهوم به تأکید بر استقلال، خودکفایی، و انعکاس ارزش‌های انقلاب اسلامی در روابط بین‌المللی اشاره دارد. سازش طلبی به معنای تمایل یا تماس با دیگران به منظور رسیدن به توافق و تسویه در مسائل مختلف است. برخی از نقادان معتقدند که تمایل به سازش طلبی ممکن است منجر به کنار گذاشتن اصول و ارزش‌های انقلابی و تنزل در برابر فشارهای بین‌المللی شود. همچنین این رویکرد، ممکن است باعث تردید در قدرت و اعتبار کشور شود و تأثیرات منفی بر روابط بین‌المللی داشته باشد. امری که در برهه‌هایی از تاریخ جمهوری اسلامی ایران خود را نشان داده است.

روش‌شناسی تحقیق

نوع روش تحقیق در این پژوهش از منظر هدف کاربردی خواهد بود و به دنبال یافتن الگویی نوین براساس تجارب حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی است. قلمرو زمانی این پژوهش ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰ بوده و قلمرو مکانی آن جمهوری اسلام ایران است. روش و ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش کیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان در حوزه‌های سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، حکمرانی و مسائل دفاعی-امنیتی بوده و جهت انجام مصاحبه تخصصی با آنان، اعتبار پژوهش و استخراج داده‌های حاصل از تجارب کاری و عملیاتی مرتبط با داده‌های کیفی استفاده قرار گرفته شده است. متخصصان یاد شده، شامل اساتید دانشگاه‌های سطح یک، اساتید دانشگاه‌های نظامی، پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های مرتبط با موضوع پژوهش بوده است. در این تحقیق با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش ۷۵ نفر می‌باشد لذا حجم نمونه براساس جدول مورگان ۶۳ نفر تعیین شده است. همچنین نمونه‌گیری به وسیله روش هدفمند تا حد اشباع و توان محقق شده است. به‌منظور گردآوری اطلاعات موردنیاز از روش‌های ذیل استفاده شده است:

الف- روش کتابخانه‌ای: در این روش ضمن مطالعه کتاب‌های علمی و تخصصی و مقالات مرتبط با موضوع و بررسی آرشیو اسناد و مدارک موجود در دستگاه‌های مختلف، از منابع معتبر اینترنتی نیز استفاده می‌شود.

ب- روش میدانی: در این روش، محقق از طریق مراجعه به متخصصان مربوطه در قالب مصاحبه به جمع‌آوری داده‌های لازم بپردازد. داده‌های کیفی لازم را از طریق پرسش‌های باز و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری خواهد شد.

پژوهش حاضر با اتکا به ابزار تحلیل مضمون و کدگذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. کدگذاری در تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه مبنایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین تلاش

خواهیم کرد در طول فرایند کدگذاری، مفاهیمی ایجاد کنیم که در نهایت و در پیوند با یکدیگر بتواند نظریه توضیحی سودمندی ارائه کند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت چرخشی انجام می‌شود و شامل مقایسه مداوم بین بخش‌های مختلف متن مصاحبه یا گزیده‌های داده‌ها است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا از الگوی «پراون و کلارک (۲۰۰۶)» استفاده شود که یک الگوی شش مرحله‌ای در شناخت و جستجوی مضامین است و در علوم اجتماعی به شکل وسیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این الگوی شامل مراحل زیر است:

- ۱- آشنایی با داده‌ها: در این مرحله، با داده‌ها آشنا شده و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهید.
 - ۲- تولید کدهای اولیه یا استخراج مفاهیم: در این مرحله، مفاهیم اصلی از داده‌ها استخراج می‌شوند و کدهای اولیه برای آن‌ها تعیین می‌شود.
 - ۳- جستجو برای مضامین (اصلی و فرعی): در این مرحله، به دنبال مضامین اصلی و فرعی در داده‌ها می‌گردید.
 - ۴- بررسی تم‌ها: تم‌های موجود در داده‌ها بررسی و شناسایی می‌شوند.
 - ۵- تعریف تم‌ها: تم‌های شناسایی شده به دقت تعریف و توصیف می‌شوند.
 - ۶- نگارش و تحلیل نهایی: در این مرحله، تحلیل نهایی انجام می‌شود و نتایج به دست آمده به صورت کامل گزارش می‌شوند.
- استفاده از این الگوی انعطاف‌پذیر می‌تواند کمک کند تا مراحل تحلیل داده‌ها را به بهترین شکل ممکن انجام داده و نظریه توضیحی مناسبی ارائه شود. این الگو امکان رفت و برگشت بین مراحل را فراهم می‌کند تا به نتایج دقیق‌تری برسد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در این بخش تحلیل‌های کیفی داده‌های پرسشنامه و مصاحبه با خبرگان و صاحب نظران انجام شده است. بنابراین در بخش اول، ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه ارائه می‌شود و در بخش دوم متناسب با سؤالات تحقیق، به ارزیابی و جمع‌بندی تحلیل کیفی داده‌ها پرداخته شده است. در این بخش، ۵ سوال از تمام جامعه آماری در قالب نوعی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پرسیده شده است تا مضامین اصلی مرتبط با تجارب حکمرانی شناسایی شوند:

- ۱- نقش حوزه سیاست خارجی در ساختار کلان جمهوری اسلامی چیست؟

- ۲- سیاست‌های کلان و اسناد بالادستی موثر بر حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای چه قوت‌ها و ضعف‌هایی در شرایط فعلی است؟
- ۳- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و نظام بین‌الملل با چه فرصت‌ها و تهدیداتی رو به رو است؟
- ۴- در صورتی که رویکردهای گذشته سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ناموفق و یا نیازمند بازسازی قلمداد می‌کنید، مهمترین عواملی که باید در هنگام تدوین الگوهای مناسب در جهت بازسازی دستگاه سیاست خارجی در نظر گرفته شود چیست؟
- ۵- بهترین و موثرترین راهبرد برای دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ جامعه آماری این قسمت به تعداد ۶۳ نفر مشخص گردیده است.
- الف. خبرگان: این افراد شامل خبرگان نظامی و استادان برجسته کشور در حوزه‌های دفاعی، سیاسی، روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، مطالعات منطقه‌ای است که دارای ویژگی‌هایی از قبیل دارا بودن تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در ردیف‌های پیش‌گفته و موضوع تحقیق و همچنین منتصب در مشاغل راهبردی هستند.
- ب. صاحب‌نظران: برای انتخاب جامعه آماری صاحب‌نظران ابتدا فهرستی از افراد موردنظر را آماده و سپس با لحاظ نمودن ویژگی‌های از قبیل مدرک تحصیلی حداقل فوق‌لیسانس، آشنایی با موضوع مورد مطالعه، حیطه کاری و مسئولیتی داشتن، تألیف یا مقاله و تحقیق در حوزه سیاست خارجی، امکان دسترسی و مصاحبه و با همکاری و کمک فکری استادان راهنما و مشاور تعداد افراد واجد شرایط انتخاب شدند.

جدول شماره ۱: فراوانی سطح تحصیلات جامعه تحقیق

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کارشناس ارشد	۱۶	۲۵	۲۵
دکتری	۲۶	۴۲	۶۷
دانشجوی دکتری	۲۰	۳۳	۱۰۰
جمع	۶۲	٪۱۰۰	

جدول شماره ۱ نشان‌دهنده‌ی آن است که ۴۲ درصد پاسخ‌گویان جامعه آماری دارای مدرک تحصیلی دکتری، ۳۳ درصد دانشجوی دکتری و ۲۵ درصد نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند.

در این مرحله تلاش شد تا با مطالعه دقیق مصاحبه با جامعه آماری منتخب کدهای اصلی پیرامون تجارب حکمرانی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استخراج و مشخص گردند که در جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول شماره ۲: کدهای استخراجی از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته

کدهای استخراجی		
حافظ تمامیت نظام	از ارکان نظام	ستون اصلی نظام سیاسی
مجری اوامر	ناکارآمدی	ارتقاء موازنه نظام
حوزه راهبردی	هویت بخشی	سیاست سازی
فقدان جایگاه مناسب جهانی	حفظ استقلال کشور	نیازمند بازنگری
افزایش تنش با جهان	کمیود دیپلماسی اقتصادی	قدرت آفرینی
دیپلماسی امت‌گرا	ایدئولوژیک	بی توجهی به رفاه مادی
فقدان بنیان نظری	تناقض در رفتار داخلی و خارجی	استقلال سیاسی
وابستگی اقتصادی	بی توجه به منافع ملی	ضعف تبلیغاتی
جهت‌گیری امنیت‌محور	عدم خلاقیت در بحران‌ها	غیرقابل انعطاف
بی توجهی به بنیان‌های داخلی	عقب‌ماندگی در سیاست مدرن	ایزوله کردن ایران
متصلب و عدم انطباق با مسائل روز	ریسک درگیری نظامی	استفاده از جنگ تجاری آمریکا و چین
یکجانبه‌گرایی	فاصله گرفتن از نگاه واقع‌بینانه	اسارت در سیاست‌های روسیه و چین
بهبود روابط با غرب	عدم شناخت از جریانات جهانی	افزایش صادرات به کشورهای منطقه
تعامل سازنده	ثبات بخشی به غرب آسیا و قفقاز	فرسایشی بودن سیاست‌ها
درگیری در جنگ‌های نیابتی	همکاری با ابرقدرت‌ها	ایجاد جنگ و تحریم
بازیگری مناسب در دوران گذار	ترسیم اهداف در نظم نوین جهانی	بازدارندگی امنیتی و دفاعی
زلزل منطقه‌ای و جهانی	پیشرفت کشورهای منطقه	تحریم‌های بین‌المللی
خارج بودن از زنجیره اقتصاد جهانی	کنار گذاشتن تعصبات	توجه به منافع ملی
انعطاف هوشمندانه	انزوای ایران در بلندمدت	استفاده از نخبگان
دوری از اسلام‌گرایی	هم‌راستایی با سیاست جهانی	تغییر در دیدگاه‌های ناپخته
توازن در روابط با شرق و غرب	بازیگری فعال در عرصه منطقه‌ای	توجه به پتانسیل بومی
توجه به پیشرفت در کنار استقلال	تغییر نگرش	تغییرات بین‌المللی
سیاست‌های افراطی	تعامل سازنده	ارتباط موثر با جهان
دیپلماسی فرهنگی	رضایت مردمی	تنظیم روابط با دولت‌ها
تقویت روابط چندبعدی	اتخاذ سیاست هم شرقی هم غربی	تعامل منطقه‌ای و جهانی
استفاده از متخصصین	تقویت دیپلماسی علمی	شفافیت و صداقت در سیاست
تبلیغات رسانه‌ای قوی	سیاست چندجانبه	اصلاحات ساختاری
پرهیز از افراط‌گرایی	عدم تعهد	جلوگیری از مهاجرت نخبگان
برقراری روابط دوجانبه	ترویج تمایز ایران	مواجهه با تحریم‌ها
اسلام‌گرایی	تعامل با سازمان‌های بین‌المللی	ترویج دیپلماسی نرم
رفع تحریم‌ها	نقش رهبری در منطقه	دیپلماسی اختلافات منطقه‌ای
استقلال	توسعه همکاری	دفاع از حقوق ملت

کدهای استخراجی		
امنیت و پایداری	تقویت همبستگی منطقه‌ای	عدم طرح موضوعات راهبردی
کاهش اعتبار بین‌المللی	کاهش نفوذ منطقه‌ای	ناهماهنگی نهادی
موازی‌کاری نهادی در سیاست خارجی	فقدان شبکه روابط جهانی	اطلاع‌رسانی ناقص

با توجه به نتایج جدول شماره ۲، ۱۰۵ کد استخراج گردید. در مرحله بعد با توجه به سوالات اصلی و فرعی پژوهش مضامین اصلی از کدهای استخراجی منتج شدند که در جدول ذیل ارائه شدند.

جدول شماره ۳: مضامین شناسایی شده از کدها

مضامین	کدهای مرتبط
الگوهای سیاست خارجی	اسلام‌گرایی، غرب‌گرایی، توازن‌گرایی
ظرفیت‌های حکمرانی در سیاست خارجی	ارتقاء موازنه نظام، هویت‌بخشی، حفظ استقلال کشور، قدرت آفرینی، استقلال سیاسی، تعامل سازنده، ثبات‌بخشی، بازدارندگی امنیتی و دفاعی، انعطاف هوشمندانه، توجه به پتانسیل بومی، ارتباط موثر با جهان، ترویج دیپلماسی نرم، عدم تعهد، استفاده از نخبگان، توجه به منافع کلی
تهدیدات حکمرانی در سیاست خارجی	فقدان جایگاه مناسب جهانی، افزایش تنش با جهان، کمبود دیپلماسی اقتصادی، تناقض در رفتار داخلی و خارجی، فقدان بنیان نظری، ضعف تبلیغاتی، عدم خلاقیت در بحران‌ها، عقب ماندگی در سیاست مدرن، فاصله گرفتن از نگاه واقع‌بینانه، ریسک درگیری نظامی، اسارت در سیاست‌های چین و روسیه، عدم شناخت از جریان‌های جهانی، درگیری در جنگ‌های نیابتی، فرسایشی بودن سیاست‌ها، انزوای ایران در بلندمدت، کاهش اعتبار بین‌المللی، خارج بودن از زنجیره اقتصاد جهانی
اصلاح نظام حکمرانی در سیاست خارجی	کنار گذاشتن تعصبات، دوری از اسلام‌گرایی، هم‌راستایی با سیاست جهانی، تغییر در دیدگاه‌های ناپخته، توازن در روابط با شرق و غرب، تغییر نگرش، تنظیم روابط با دولت‌ها، تقویت روابط چندبعدی، اتخاذ سیاست هم شرقی، هم غربی، تعامل با سازمان‌های بین‌المللی، رفع تحریم‌ها، تقویت همبستگی منطقه‌ای
ضعف‌های حکمرانی در سیاست خارجی	

۱) **ظرفیت‌ها، تهدیدها و ضعف‌های حکمرانی سیاست خارجی:** طراحی الگوی حکمرانی در سیاست خارجی ایران باید بر اساس اصولی از جمله توسعه روابط بین‌المللی، توسعه همکاری‌های اقتصادی، توسعه روابط فرهنگی و علمی، توسعه روابط امنیتی و توسعه روابط فرهنگی و اجتماعی صورت گیرد. این الگو باید بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اخلاقیات، ارتباطات قوی با مردم و فرهنگ رهبری متعالی تدوین شود. ایران می‌تواند سیاست خارجی قوی‌تری داشته باشد و به توسعه و رشد جامعه کمک کند. توسعه روابط بین‌المللی و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای دیگر، توسعه همکاری‌های فرهنگی و علمی و توسعه همکاری‌های امنیتی با کشورهای دیگر، می‌تواند به تقویت اقتصاد، فرهنگ و امنیت کشور کمک کند. همچنین، توسعه روابط فرهنگی و اجتماعی با کشورهای دیگر می‌تواند به تقوی همبستگی و تعامل فرهنگی بین کشورها کمک کند. برای نیل به این مقصود پژوهش حاضر الگوی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را پیشنهاد داده است.

به طور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با مجموعه‌ای از تهدیدات، فرصت‌ها، ضعف‌ها و ظرفیت‌ها مواجه بوده است.

۲) تهدیدها:

۱- تهدیدهای امنیتی: تهدیدهای امنیتی می‌توانند از طریق تهدیدهای نظامی، تروریسم، تجاوز حریم هوایی و دریایی، تهدیدهای هسته‌ای و تهدیدهای سایبری به وجود آیند. این تهدیدها می‌توانند به امنیت و استقرار کشور و مناطق محدود کمک کنند.

۲- تهدیدهای اقتصادی: تهدیدهای اقتصادی می‌توانند از طریق تحریم‌ها، تحریم‌های مالی، تحریم‌های تجاری و تهدیدهای قیمتی به وجود آیند. این تهدیدها می‌توانند به تضعیف اقتصاد کشور و کاهش رشد اقتصادی منجر شوند.

۳- تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی: تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی ممکن است از طریق تهدیدهای فرهنگی، تهدیدهای اجتماعی، تهدیدهای رسانه‌ای و تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی در فضای مجازی به وجود آیند. این تهدیدها می‌توانند به ضعف و تضعیف ارزش‌ها و اصول فرهنگی و اجتماعی کشور منجر شوند.

۴- تهدیدهای سیاسی: تهدیدهای سیاسی می‌توانند از طریق تهدیدهای سیاسی داخلی، تهدیدهای سیاسی خارجی، تهدیدهای سیاسی بین‌المللی و تهدیدهای سیاسی در فضای مجازی به وجود آیند. این تهدیدها می‌توانند به ضعف و تضعیف نظام سیاسی و نظام سیاسی کشور منجر شوند.

۵- تهدیدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات (سایبری): تهدیدهای سایبری می‌توانند از طریق حملات سایبری، جرایم سایبری، تهدیدهای امنیتی شبکه‌ها و تهدیدهای سایبری در فضای مجازی به وجود آیند. این تهدیدها می‌توانند به ضعف و تضعیف امنیت سایبری و امنیت اطلاعات کشور منجر شوند.

۳) فرصت‌ها:

۱- توسعه روابط بین‌المللی: ایران می‌تواند با توسعه روابط بین‌المللی و ایجاد همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف مانند اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری، آموزش و پرورش، به توسعه و تقویت قدرت و استقلال کشور کمک کند.

۲- توسعه همکاری‌های اقتصادی: ایران می‌تواند با توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای دیگر، افزایش تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تحقق کند. این فرصت می‌تواند به توسعه اقتصاد کشور و ایجاد اشتغال کمک کند.

۳- توسعه روابط فرهنگی و علمی: ایران می‌تواند با توسعه روابط فرهنگی و علمی با کشورهای دیگر، تبادل فرهنگی و تبادل علمی را تقویت کند. این فرصت می‌تواند به تعامل فرهنگی و تبادل فرهنگی بین کشورها کمک کند و به تقویت همبستگی و تعامل فرهنگی بین کشورها کمک کند.

۴- توسعه روابط امنیتی: ایران می‌تواند با توسعه روابط امنیتی با کشورهای دیگر، تقویت امنیت و استقرار منطقه و مناطق محدود را تحقق کند. همچنین، توسعه همکاری‌های امنیتی در حوزه‌های مختلف مانند مبارزه با تروریسم، مبارزه با جرائم سایبری و مبارزه با جرایم سازمان‌دهنده می‌تواند به تقویت امنیت و استقرار کشور کمک کند.

۵- توسعه روابط فرهنگی و اجتماعی: ایران می‌تواند با توسعه روابط فرهنگی و اجتماعی با کشورهای دیگر، تبادل فرهنگی و تبادل اجتماعی را تقویت کند. این فرصت می‌تواند به تعامل فرهنگی و تعامل اجتماعی بین کشورها کمک کند و به تقویت همبستگی و تعامل فرهنگی بین کشورها کمک کند.

با توجه به پاسخ‌های جامعه آماری پژوهش، می‌توان مولفه‌های اصلی اصلاح نظام حکمرانی در دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در مفاهیم زیر صورت‌بندی کرد.

۱) تعامل

تعامل و گفتگو در حوزه سیاست خارجی به معنای برقراری ارتباط موثر و متقابل با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است. این ارتباط می‌تواند در قالب مذاکرات، دیپلماسی و تبادل نظرهای رسمی و غیررسمی باشد.

۲) توسعه نشانه‌های قدرت نرم: توسعه نشانه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی به معنای تقویت و ترویج فرهنگ، علم و فناوری، هنر، ورزش و رسانه است. این نشانه‌ها، قدرت نرم یک کشور را بیان می‌کنند و تأثیری مثبت و جذاب را بر دیگران دارند، به طوری که تأثیرگذاری بی‌درنگ در سیاست خارجی و دستیابی به اهداف سیاستی و ملی را تسهیل می‌کنند.

به طور کلی، توسعه نشانه‌های قدرت نرم شامل موارد زیر است:

۱- فرهنگ و زبان: توسعه فرهنگ و زبان می‌تواند در ارتباطات بین‌المللی و اطلاع‌رسانی به دیگران کمک کند. به‌ویژه توسعه زبان مادری و فرهنگ اصیل کشور می‌تواند در انتشار افکار و ارزش‌های فرهنگی کشور نقش مهمی ایفا کند.

۲- علم و فناوری: توجه به پژوهش و توسعه، فناوری و نوآوری، آموزش و تحصیلات عالی می‌تواند نشانگر قدرت علمی و فناوری کشور شود. این قدرت، می‌تواند به رونق اقتصادی، توانایی علمی و فنی، و بالابردن سطح زندگی مردم کمک کند.

۳- هنر و فرهنگ: توسعه هنر و فرهنگ به عنوان نشانه‌های قدرت نرم می‌تواند به جذابیت و جذب دیگران کمک کند. موسیقی، سینما، هنر تجسمی، معماری و ادبیات می‌تواند نمادهای فرهنگی یک کشور باشد و تصویری مثبت و متنوع از فرهنگ و هنر آن را به جهان نشان دهد.

۴- ورزش: توسعه و موفقیت در ورزش‌های بین‌المللی می‌تواند قدرت نرم را نشان دهد. مسابقات ورزشی به‌طور معتبر و جدی می‌تواند عواطف و استقلال را برای تمایل دیگران جلب کند و همچنین ارتباطات بین‌المللی را تقویت کند.

۵- رسانه و ارتباطات: توسعه رسانه‌ها و ارتباطات، از جمله رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند نشان‌دهنده قدرت اطلاعاتی کشور باشد و امکان انتشار افکار، دیدگاه‌ها و اخبار را به دیگران فراهم آورد.

۳) تشکیل کادرهای متخصص: کادر متخصص در حکمرانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید توانمندی‌ها و تجربیات لازم برای ارزیابی مسائل سیاست خارجی، راهبردها و تدابیر لازم برای تدوین، اجرا و پیگیری سیاست‌های خارجی را داشته باشند. آنها باید قادر باشند تا ارتباطات بین‌المللی را پیش ببرند، روابط دوجانبه و چندجانبه را تقویت کنند و بازارهای جدید را کشف کنند تا تجارت و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی را ارتقا دهند. اصلاح و توانمندسازی ساختار حکمرانی سیاست خارجی با تشکیل یک کادر متخصص، علاوه بر مزایای فنی، به ارتقای نظامی و بین‌المللی کشور نیز کمک خواهد کرد. این اصلاحات می‌توانند باعث افزایش تأثیرگذاری، اعتبار و رتبه بندی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شده و توانایی دیپلماسی و مذاکره با سایر کشورها را در جهان تقویت کنند.

۴) توسعه دیپلماسی چندجانبه: توسعه دیپلماسی چندجانبه به عنوان یکی از اصلاحات ساختار حکمرانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی اهمیت بسیاری دارد. این مفهوم به توسعه روابط بین‌المللی با کشورهای دیگر و شرکت فعال در سازمان‌ها و کمیته‌های بین‌المللی اشاره دارد. تأکید بر دیپلماسی چندجانبه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به منظور دستیابی به هدفهای خود در سیاست خارجی، از همکاری با کشورها و نهادهای بین‌المللی استفاده می‌کند.

این رویکرد چندجانبه برای جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف مختلف مهم است. این امکان را به جمهوری اسلامی می‌دهد تا روابط خود را با کشورها و نهادهای بین‌المللی تقویت کرده و به منافع و جایگاه خود در جهان بیشتر باشد. به علاوه، این رویکرد به جمهوری اسلامی امکان می‌دهد تا برای حل و فصل منازعات و بحران‌ها در سطح بین‌المللی تلاش کند و روابط خود را با بقیه کشورها تقویت کند. در نهایت، توسعه دیپلماسی چندجانبه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر نهادهای بین‌المللی و نهادی مانند سازمان ملل متحد و سازمان جهانی تجارت تأثیر می‌گذارد و می‌تواند راهی برای جلب حمایت بین‌المللی برای مواضع و سیاست‌های جمهوری اسلامی در قضایای مختلف باشد.

۵) ارزیابی مداوم سیاست‌ها: مداومت در ارزیابی سیاست‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بدان معناست که بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق در مورد اثرات و نتایج این سیاست‌ها به صورت مداوم و سیستماتیک انجام شود. این مولفه از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا باعث می‌شود تا سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان شناخت دقیقی از عملکرد سیاست‌های خود و یادگیری

مستمر از تجربیات خود داشته باشند. به علاوه، مداومت در ارزیابی سیاستها به وجود یک سازوکار منظم و مستقل برای جمع آوری داده ها، انجام تحلیل های علمی و ارزیابی کیفیت سیاستها منجر می شود.

برای ارزیابی مداوم سیاستهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، می توان از رویکردهای مختلف استفاده کرد. مثلاً می توان از تحلیل سیاست های پیشین و بررسی نتایج کارکردهای قبلی برای تشخیص نقاط قوت و ضعف موجود استفاده کرد. همچنین، می توان از نظرسنجی ها و مطالعات عمومی برای نظر جمعی مردم و نیازها و آرزوهای آنها با توجه به سیاست های خارجی مورد بررسی استفاده کرد. هدف اصلی ارزیابی مداوم سیاستها در حوزه سیاست خارجی، بهبود و اصلاح ساختار حکمرانی در این زمینه است. این اصلاحات می تواند شامل تغییرات در رویکردها، تغییر در طرح و برنامه ها، اصلاح در مکانیزم های اجرایی و حتی تغییر در افراد مسئول برای سیاستهای خارجی باشد. بنابراین، ارزیابی مداوم سیاستها در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جهت بهبود و توسعه این سیاست ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. این ارزیابی ها باید با رویکردهای علمی، جامع و دقیق صورت گیرد تا بتوان از تجربیات گذشته یادگیری کرده و سیاست های خارجی هوشمندانه تری برای جمهوری اسلامی ایران طراحی کرد.

۶ ابعاد و مولفه ها: در حکمرانی سیاست خارجی ایران می توان ابعاد و مولفه های مختلفی را شناسایی کرد که نقش مهمی در تعیین و اجرای سیاست های خارجی این کشور دارند. با توجه به نظر متخصصان ابعاد و مولفه های ذیل شناسایی شدند: الف) ابعاد:

- ابعاد ایدئولوژیک: شامل اصول و ارزش های انقلاب اسلامی و تأکید بر مقاومت در برابر استکبار جهانی که نقش مهمی در تعیین سیاست خارجی ایران دارد.

- ابعاد منطقه ای: شامل روابط با کشورهای همسایه و منطقه ای، همکاری های اقتصادی و امنیتی، و تأثیرگذاری در امور منطقه ای و جهانی.

- ابعاد اقتصادی: شامل توسعه همکاری های اقتصادی با کشورهای دیگر، تجارت بین المللی، و تأثیرات اقتصادی بر تصمیم گیری های سیاست خارجی.

- ابعاد سیاسی و دیپلماتیک: شامل برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر، نقش ایران در سازمان ها و اتحادیه های بین المللی، و تأثیرات سیاست های خارجی بر روابط بین المللی.

-ابعاد فرهنگی و اجتماعی: شامل تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ایران بر روابط بین‌المللی، تبادلات فرهنگی، و تأثیرات فرهنگی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی.

(ب) مولفه‌ها:

-مولفه امنیتی: شامل موضوعات مربوط به امنیت ملی، مبارزه با تروریسم، و تأثیرات امنیتی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی.

-مولفه اقتصادی: شامل موضوعات مربوط به تجارت، سرمایه‌گذاری‌ها، تحریم‌ها، و تأثیرات اقتصادی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی.

-مولفه محیط زیستی: شامل موضوعات مربوط به حفاظت از محیط زیست، تغییرات آب و هوا، و تأثیرات محیط زیستی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی.

-مولفه حقوق بشر از دیدگاه اسلامی: شامل موضوعات مربوط به حقوق بشر، آزادی‌های شهروندی، و تأثیرات حقوق بشر بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی.

- مولفه توسعه‌یافتگی: شامل موضوعات مربوط به توسعه اقتصادی، کمک‌های انسانی، و تأثیرات توسعه‌یافتگی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی.

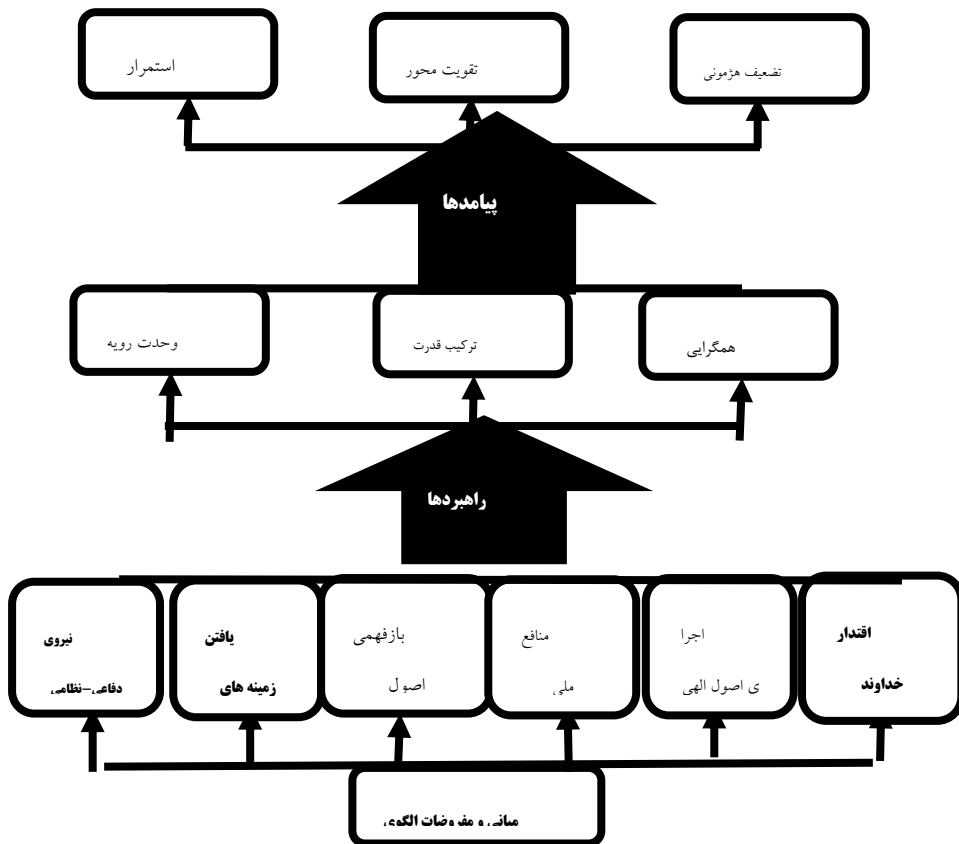
-مولفه جهانی: شامل روابط با سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی، تأثیرات جهانی ایران، و تعامل با کشورهای دیگر در ارتباطات بین‌المللی.

به طور کلی، ابعاد و مولفه‌های حکمرانی سیاست خارجی ایران شامل ابعاد ایدئولوژیک، منطقه‌ای، و اقتصادی به همراه مولفه‌های امنیتی، اقتصادی، و جهانی است که نقش مهمی در تعیین و اجرای سیاست‌های خارجی این کشور دارند.

۷) الگوی استخراجی پژوهش

نظر به این ویژگی‌ها پژوهش حاضر الگوی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی ایران را پیشنهاد داده است تا براساس آن، بتوان از مرزبندی‌های گفتمانی پیشین عبور کرد و نوعی فراگفتمان را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طراحی کرد. در حکمرانی متعالی مرتبط با سیاست خارجی، یک فرماندهی واحد تصمیم‌گیری برای نوع مواجهه با کشورهای دیگر متاثر از مبانی اسلامی باید وظیفه محافظت و ارزیابی نسبت سیاست‌های جاری با اصول سیاست خارجی را بر عهده گیرد و وحدت رویه و استمرار سیاست‌ها را تضمین کند. علاوه بر این، یکی از مشکلات حکمرانی در سیاست خارجی ایران، تفکیک میان نیروی‌های دیپلمات و نیروهای نظامی و به

عبارت بهتر بین سیاست و دفاع بوده است. با این حال، باید توجه داشت که سیاست ادامه دفاع و دفاع ادامه سیاست است و این دو حوزه از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. بنابراین در مدل متعالی سیاست خارجی، حوزه‌های نرم و سخت با یکدیگر ترکیب می‌شوند و مجموعه‌ای واحد را در رابطه با سایر کشورها به وجود می‌آورند. در نهایت، با توجه به مبانی الهی و دینی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی، باید نوعی اجماع میداین و همگرایی ضدسلطه میان نیروهای همسو با جمهوری اسلامی ایران با محوریت اعتقادات دینی به وجود آید و تا براساس این ایده، منافع ملی و منطقه‌ای کشورمان تضمین گردد.



شکل شماره ۱: مبانی و مفروضات الگوی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی ج.ا.ا.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

– نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی در ایران، سبب تغییر رویکردها و الگوهای سیاست خارجی کشور شد. قبل از انقلاب، الگوی غرب‌گرایی در سیاست خارجی ایران تعیین‌کننده بود و با تمرکز بر روابط با کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، پیش می‌رفت. اما پس از انقلاب، با ظهور نظام اسلامی و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، الگوی سیاست خارجی ایران به شکل اسلام‌گرایی تغییر کرد. در این الگو، اسلام متغیری مهم در تعیین سیاست‌ها و روابط خارجی ایران شد و تلاش برای توسعه همکاری با کشورهای اسلامی و حفظ ارزش‌ها و اصول اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفت. با این حال باید توجه داشت که الگوی غرب‌گرایی هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفت و همواره به عنوان دیدگاهی مهم در میان گروه‌های سیاسی به حیات خود ادامه داد. همچنین، با گذشت زمان و در جهت حفظ منافع ملی و تعامل بین‌المللی، الگوی توازن‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برجسته شد. این الگو سعی در حفظ استقلال و خودکفایی ایران در صدد برقراری روابط متعادل با نهادها و کشورهای دیگر بر پایه منافع ملی است.

با توجه به این توضیحات، در پاسخ به سوال اصلی پژوهش «الگوی مطلوب حکمرانی در حوزه سیاست خارجی در رابطه با سایر کشورها کدام است؟» باید عنوان کرد که الگوی مناسب در حوزه حکمرانی سیاست خارجی، ترکیبی از سه راهبرد همگرایی ضدسلطه، ترکیب قدرت نرم و سخت و وحدت رویه در سیاست خارجی است که از نقطه نظر این پژوهش، پیامدهای تضعیف هژمونی غربی و تقویت شبکه‌های مقاومت، تقویت محور دفاعی-دیپلماتیک و استمرار سیاستی به دنبال دارد و در شکل شماره ۱ ارایه گردیده است.

در پاسخ به سوال فرعی اول «ظرفیت‌های حکمرانی موجود در حوزه سیاست خارجی کدام است؟» موقعیت جغرافیایی، نفت و گاز، جمعیت بزرگ، تاریخ و فرهنگ و توانمندی‌های اقتصادی شناسایی و معرفی شدند. در پاسخ به سوال فرعی دوم «عوامل تهدیدزای مؤثر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، ناشی از حکمرانی متعالی در حوزه سیاست خارجی کدام است؟» تهدیدهای امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، تهدیدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات (سایبری) استخراج کنند. در پاسخ به سوال فرعی سوم «عوامل ضعف مؤثر بر ظرفیت‌های حکمرانی در حوزه سیاست خارجی چیست؟» نارضایتی داخلی، ناهماهنگی در سیاست داخلی، فشار گروه‌های ذی نفوذ داخلی و تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی شناسایی و معرفی گردیدند.

پیشنهادها

با توجه به موضوع‌های مختلف و چالش‌های موجود در حوزه حکمرانی سیاست خارجی ایران، پیشنهادات اجرایی زیر کمک‌کننده خواهد بود:

۱- تعیین راهبردهای ملی:

تعیین راهبردهای ملی و تدوین سیاست‌های خارجی بر اساس اهداف ملی و اصول حکمرانی سیاست خارجی.

۲- توسعه نظارت و حسابرسی:

تقویت نظارت مستقل بر عملکرد دولت در حوزه سیاست خارجی و اجرای اصول حکمرانی.

۳- توسعه ظرفیت‌های نهادی:

توسعه ظرفیت‌های نهادی و تقویت نهادهای مرتبط با حکمرانی سیاست خارجی برای اجرای موثر تر سیاست‌های خارجی.

افزون بر این، پیشنهادهایی نیز برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌گردد:

۱- بررسی نقش نهادهای حکومتی: بررسی نقش و تأثیر نهادهای حکومتی مانند وزارت امور خارجه،

شورای عالی امنیت ملی، و ریاست جمهوری در تدوین و اجرای سیاست خارجی ایران.

۲- تحلیل روابط بین‌المللی: بررسی روابط ایران با کشورهای مختلف و نقش آن در سیاست خارجی ایران، به ویژه در قالب تحلیل روابط منطقه‌ای و بین‌المللی.

۳- مطالعه تأثیرات تحریم‌ها: بررسی تأثیرات تحریم‌ها بر سیاست خارجی ایران و راهکارهای ممکن برای مقابله با این تحریم‌ها.

۴- تحلیل راهبردهای ایران در قبال تحولات منطقه‌ای: بررسی راهبردهای ایران در برابر تحولات منطقه‌ای مانند جنگ‌ها، تغییرات سیاسی، و تأثیرات آن بر سیاست خارجی ایران.

فهرست منابع:**الف - منابع فارسی**

- امام خمینی ره (بی تا). صحیفه امام جلدهای مختلف. نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، وبسایت خامنه‌ای. آی آر.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، رادفر، فیروزه (۱۳۹۳)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- رودسری، آریاشفت، تبرزد، محمدسعید (۱۴۰۰)، ارائه الگوی حکمرانی متعالی اسلامی - ایرانی بر اساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، فصلنامه حکمرانی متعالی
- صادقیان، رضا، موسوی، سید قائم (۱۳۹۶)، مقایسه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت های خاتمی و احمدی نژاد، پژوهش ملل، دوره دوم، ۱-۱۸.
- صادقی، علی (۱۳۹۷)، الگو روش در علوم اجتماعی، تهران: دانش.
- فلیک، اوه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کریمی‌مله، علی (۱۳۹۹)، تأملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی، مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۴، ۴۳-۸۰.
- کشاورز، محسن، عرب‌اسدی، حسین (۱۴۰۰)، ارکان دولت اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای (حفظه...۱۶)، فصلنامه حکمرانی متعالی، دوره ۲، شماره ۱، ۷۷-۹۶.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۷)، دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، ۷۲۵-۷۵۰.

ب - منابع انگلیسی

- Braun, V., & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Eryurek, Evren (2021), *Data Governance: The Definitive Guide*, O'Reilly Media.

- Koenig, David R. (2018), *Governance Reimagined: Organizational Design, Risk, and Value Creation*, right Governance Publications.
- Larcker, David (2020), *Corporate Governance Matters*, Pearson.